



احیای ارزش‌های اسلامی در اشعار ابوالقاسم الشابی و شب‌نامه‌های دوران مشروطه**

صفی‌الله کرد^۱ ID، اسماعیل اسلامی^۲ ID، محمد فاتحی^۳ ID

^۱ دانشجوی دکتری گروه ادبیات عرب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران، kord_05732@yahoo.com
^۲ (نویسنده مسئول) استادیار گروه ادبیات عرب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران، esmaileslami6259@gmail.com
^۳ استادیار گروه ادبیات عرب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران، mfatehi2020@yahoo.com

چکیده

ابوالقاسم الشابی شاعر معاصر کشور تونس نمونه والای قهرمانان عرصه مبارزه با استعمار است که نه تنها در افریقا که در جای‌جای جهان اسلام به‌عنوان شاعری دلسوز و متعهد به جامعه و سرنوشت ملت‌ها شناخته می‌شود. الشابی برای شعر و شاعر رسالتی فراتر از آنچه در ذهن همگان است، قائل می‌باشد. در این پژوهش به روش تحلیلی و توصیفی به جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای پرداخته شد. الشابی اعتقاد دارد که شعر باید زندگی انسان را به تصویر بکشد و از نظر او شعر تصویری صادقانه و تعبیری راستین از واقعیت است و به همین دلیل کوشید نه تنها دردها و رنج‌های ملت خود که دردها و رنج‌های همه ملت‌های زخم خورده استعمار را به تصویر بکشد. شابی، تحت‌تأثیر شرایط اجتماعی، سیاسی تقریباً مشابه به بیان جلوه‌های بیداری مردمی و اسلامی جوامع خود پرداخته است. او با اینکه سلاح به‌دست نگرفته است؛ سلاح شعرش از هر سلاحی قدرتمندتر و نابود کننده‌تر بوده است؛ به‌طوری‌که در انقلاب اخیر تونس، نمونه قوی و ملموس آن قابل مشاهده بود و جوانان انقلابی تونس هم صدا با هم، شعر شابی را در راه رسیدن به هدفشان، یعنی آزادی و مبارزه با ظلم حاکم بر جامعه زمزمه می‌کردند. در شب‌نامه‌های دوران مشروطه نیز پیام‌های آزادی‌خواهی به یکی از عناصر محوری در انقلاب مشروطه تبدیل شد.

اهداف پژوهش:

۱. حاضر بررسی جلوه‌های بیداری اسلامی در اشعار ابوالقاسم الشابی.

۲. بررسی جلوه‌های بیداری اسلامی در شب‌نامه‌های دوران مشروطه.

سؤالات پژوهش:

۱. جلوه‌های بیداری اسلامی در اشعار ابوالقاسم الشابی چگونه بازتاب یافته است؟

۲. جلوه‌های بیداری اسلامی در شب‌نامه‌های دوران مشروطه چگونه بازتاب یافته است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۲

دوره ۲۰

صفحه ۶۳۷ الی ۶۵۱

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۰۲

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۰۲/۰۵

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

بیداری اسلامی،

ابوالقاسم الشابی،

جلوه‌های پایداری اسلامی،

شب‌نامه‌های دوره مشروطه،

جلوه‌های بیداری.

ارجاع به این مقاله

کرد، صفی‌الله، اسلامی، اسماعیل، & فاتحی، محمد. (۱۴۰۲). احیای ارزش‌های اسلامی در اشعار ابوالقاسم الشابی و شب‌نامه‌های دوران مشروطه. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۵۲)، ۶۳۷-۶۵۱.



dorl.net/dor/20.1001.1.*
 *****/



dx.doi.org/10.22034/IAS
 2022.343751.1968

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری "صفی‌الله کرد" با عنوان "تحلیل و بررسی جلوه‌های بیداری اسلامی در افکار شاعران معاصر با تکیه بر اقبال لاهوری و ابوالقاسم الشابی" است که به راهنمایی دکتر "اسماعیل اسلامی" و مشاوره دکتر "محمد فاتحی" در دانشگاه "آزاد اسلامی" واحد "جیرفت" ارائه شده است.

مقدمه

بیداری اسلامی یعنی دعوت مجدد به اسلام و دعوت به احیای ارزش‌های اسلامی است. بیداری اسلامی برای جوامع زیر سلطه استکبار امیدبخش است و به‌منزله‌رهایی از تاریکی و پیش‌رونده به‌سوی نور است. این حرکت اسلام‌خواهانه و آزادی‌بخش نه‌تنها در تمام سرزمین‌های اسلامی بلکه به اقصی نقاط جهان پای گستراند و تمام مستضعفان را از یوغ زورمداران رهایی بخشید. درواقع، بیداری اسلامی پدیده اجتماعی جدیدی است که دلالت بر آگاهی امت اسلامی و بیداری آن دارد. این رخداد نشانه پیشروی مسلمانان در خودشناسی، افتخار به دین، رهایی از بردگی فکری و مادی و تلاش برای خروج از عقب‌ماندگی و انحطاط است. بیداری اسلامی حکایت از قیام ملتی دارد که می‌کوشد تا نقش و جایگاه تمدن خوب و مستقلش را به جهانیان نشان دهد، ملتی که خداوند آن‌را برای آبادانی زمین برگزیده است (یوسف فرحات، ۲۰۱۷: ۳). هدف نهضت بیداری اسلامی، تشکیل یک تمدن محمدی جهانی است که در آن، عقلانیت با معنویت، قدرت با اخلاق، دانش با ارزش و علم با عمل جمع شود (مهدتی، ۱۳۲۵: ۳۸۱-۳۷۸). از سوی دیگر، جایگاه ویژه شعر و ادب در سرنوشت ملت‌ها امری مسلم است، شاعران حماسه سرا و ادیبان خوش‌ذوق در قیام و خیزش ملت‌ها برای مبارزه با ظلم، فساد و استبداد نقش اساسی داشته‌اند. حسینی و همکاران (۱۳۲۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «بیداری اسلامی، مردمی در اشعار فرخی و شابی» به بررسی جلوه‌های بیداری اسلامی و مردمی را در اشعار این دو شاعر پرداخته‌اند. نتیجه اینکه؛ شاعران، نماینده مردمی مظلوم و ستم‌دیده هستند که از ظلم و جور حاکمان زمان خود به جو آمده و تصمیم به انقلاب و عدالت‌خواهی گرفته و مبارزه خود را در قالب اشعاری با هدف آگاهی، بیداری و مقاومت مردمی و اسلامی در برابر ظلم و بیداد به انجام رسانیده‌اند. اسلامی و کرد (اسلامی و کرد، ۱۳۲۷). در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی بیداری اسلامی در اشعار اقبال لاهوری و ابوالقاسم الشابی» به بررسی دیوان دو شاعر پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که اندیشه‌های مشابه دو شاعر باعث اهداف مشترک آن‌ها یعنی بیداری اسلامی شده است و هرکدام به شیوه خاص خود آن را بیان کرده است.

ابوالقاسم الشابی در ۱۲۱۲ در تونس متولد شد و در آن دوره تونس به دلیل موقعیت جغرافیایی و سیاسی خود، در شمال آفریقا نقش مهمی را در سیاست ملی آفریقا و کشورهای عربی برعهده داشت (امیردهی، ۱۳۸۵: ۱۳۶). تولد الشابی با اشغال تونس همراه بود و با اینکه او مدت زیادی در این دنیا نبود و در سن ۲۵ سالگی فوت کرد، توانست به سهم خودش مفاهیم والای انسانی را در اشعارش منعکس ساخته و با بهره‌گیری از ادبیات رمانتیک به آفرینش جدیدی در زمینه شعر و ادب دست یافت (شبستری، ۱۳۷۶: ۲۳). الشابی برای شعر و شاعر رسالتی فراتر از آنچه در ذهن همگان است، قائل می‌باشد. او اعتقاد دارد که شعر باید زندگی انسان را به تصویر بکشد و از نظر او شعر تصویری صادقانه و تعبیری راستین از واقعیت است و به همین دلیل کوشید نه‌تنها دردها و رنج‌های ملت خود که دردها و رنج‌های همه ملت‌های زخم خورده استعمار را به تصویر بکشد (میرقادر، ۱۳۸۵: ۳۱۵). از آنجاکه جلوه‌های بیداری در اشعار ابوالقاسم الشابی به‌طور کامل مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است و مضامین مختلف در اندیشه‌های این شاعر در مقالات و تحقیقات بیان نشده است، تحلیل و بررسی این جلوه‌ها در ابعاد مختلف می‌تواند اطلاعات مفیدی را

به مخاطب بدهد و بر این اساس، انجام این تحقیق ضروری و مهم به نظر می‌رسد. هدف از پژوهش حاضر بررسی جلوه‌های بیداری اسلامی در اشعار ابوالقاسم الشابی و شب‌نامه‌های دوران مشروطه به روش توصیفی و تحلیلی می‌باشد.

۱. زندگی‌نامه ابوالقاسم الشابی

ابوالقاسم الشابی شاعر معاصر کشور تونس نمونه والای قهرمانان عرصه مبارزه با استعمار است که نه تنها در آفریقا که در جای جای جهان اسلام به عنوان شاعری دلسوز و متعهد به جامعه و سرنوشت ملت‌ها شناخته می‌شود (الجابری، ۱۲۷۴: ۲۱۲). ابوالقاسم الشابی، به سال ۱۲۱۲ میلادی برابر با ۱۳۲۷ هجری قمری در شابیه در جنوب تونس چشم به جهان گشود، پدر وی محمد شابی از فرهیختگان جامع آن روزگار به حساب می‌آمد که تحصیلات خود را در دانشگاه الازهر نزد محمد عبده در رشته حقوق به پایان رسانده بود، و بعد از آن برای به دست گرفتن منصب قضاوت به تونس بازگشت (الحر، ۱۳۲۵: ۶۱). وی از پیشگامان شعر معاصر عربی است. این شاعر عربی توانست با احساس غنی شاعرانه و قدرت بیان خودش مفاهیم والا و مضامین ژرف و جاودانه انسانی را در شعر خویش بیاورد. زندگی در شعر او به معنای آگاهی و بیداری اندیشه و حرکت به سمت اصلاح همه جانبه می‌باشد. از این جهت، همگان را به مبارزه و پایداری در برابر ظلم حاکم و امید به آینده فرامی‌خواند و دشمنان را از شکست و دوستان را از غفلت هشدار می‌دهد (آل بویه لنگرودی، ۱۳۲۱: ۴).

الشابی دیدگاه متفاوتی نسبت به استعمار و استبداد دارد، وی همیشه در پی آسایش ملت و سرزمین خود است. با این وجود، لبه تیز مبارزه و خشم خود را به استعمارگران منحصر نمی‌کند، بلکه بیشتر ملت‌های تحت ستم و استعمار را مخاطب قرار می‌دهد، او معتقد است، ملتی که تن به ستم حاکمان ستمگر و اشغالگر داده است، خود ستم را پذیرفته و ستمگر را تقویت کرده است. از دیدگاه او ملت یا امتی که از صحنه حق و باطل فرار می‌کنند، به است. از دیدگاه او، ملتی که زیر بار ستم و خواری به سر ببرد، شایسته مهرورزی نیست و بر نویسندگان و شاعران است که به جای توجه به حاکمان و رهبران و نصیحت آنان، بر ملت‌های بی‌اراده و ستم‌پذیری که زندگی را بدون توجه به حقوق انسان پذیرفته‌اند بشورد (المقالح، ۱۳۴۸: ۲۱۷). الشابی در تعبیر و بیان شاعری، صادق است مردم را در مقابل حقیقت زندگی فریب نمی‌دهد او معتقد است که اگرچه عشق ورزیدن در زندگی سرشار از حزن و اندوه است ولی زندگی به هر حال محبوب انسان است.

او شاعری بلندهمت و آزادی‌خواه بود و شعر او آمیزه‌ای از شور جوانی، تحرک، شادابی است. در زمان حضور محمد عبده در تونس نیز با وی ارتباط تنگاتنگی داشت و او از این رهگذر با اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه سید جمال اسدآبادی آشنا شد و با پیوستن به جمع مردان اصلاح گر دهم آمده بودند، روح پایداری را در خود تقویت کرد (میرقادری، ۱۳۸۵: ۶۳). او هیچ‌گاه ملت شریف خود را از یاد نمی‌برد و از جمله شاعرانی بود که نه تنها در حیات، انسان، طبیعت و ماوری آن ژرف‌نگری کرده است.

الشابی برای شعر و شاعر رسالتی فراتر از آنچه در ذهن همگان است، قائل می‌باشد. او اعتقاد دارد که شعر باید زندگی انسان را به تصویر بکشد و از نظر او شعر تصویری صادقانه و تعبیری راستین از واقعیت است و به همین دلیل کوشید نه تنها دردها و رنج‌های ملت خود که دردها و رنج‌های همه ملت‌های زخم‌خورده استعمار را به تصویر بکشد (میرقادری، ۱۳۸۵: ۳۱۵). ابوالقاسم الشابی با آن که عمر کوتاهی داشت، آثار شعری و نثری زیادی برجای گذاشته است. بسیاری از مقالات و اشعار الشابی در مجلاتی مثل «آپولو»، «الفکر» و هفته‌نامه‌ها و ماهنامه‌های جهان عرب به‌ویژه مصر منتشر می‌شد.

۲. جلوه‌های پایداری در اشعار ابوالقاسم الشابی

۲.۱. شوق به زندگی

واژه‌های کلیدی در فرهنگ پایداری الشابی، زندگی، شوق و نشاط می‌باشد که شوق به زندگی و خواستن از ویژگی‌های یک انسان مبارز و مقاوم است. انسان باید برای آزادانه زندگی کردن بتواند خود زنده باشد و شوق به زندگی همواره در وجود او نمایان باشد و گرنه برخلاف میل باطنی خود مرده‌ای متحرک می‌باشد.

إِذَا الشَّعْبُ يَوْمًا أَرَادَ الْحَيَاةَ فَلَا بُدَّ أَنْ يَسْتَجِيبَ يَسْتَجِيبَ الْقَدَّرَ

وَمَنْ لَمْ يَعَانِقْهُ يَعَانِقْهُ شَوْقُ الْحَيَاةِ تَبَخَّرَ فِي جَوْهَا وَانْدَثَرَ (کرو، ۱۳۲۱: ۲۲۲).

در این قصیده او بیان می‌کند که هرگاه مردم زندگی را بخواهند، سرنوشت ناگزیر است به خواسته‌های آنان تن دهد، اما شرط است که چنین مردمی در خود شوق به زندگی ایجاد کنند که اگر چنین اشتیاقی در آنان نباشد، در فضای زندگی نابود می‌شود و در نتیجه، از بین خواهد رفت. الشابی برای اثبات ادعای خود جهان هستی را به یاری می‌طلبد و می‌گوید جهان هستی زنده است و به زندگی عشق می‌ورزد و مرده را هرچند بزرگ باشد، خوار و ذلیل می‌شمارد (حسینی و دیگران، ۱۳۲۲: ۳۵).

۲.۲. شناسایی چهره ظالم و بیان بیدادگری‌های او

شناختن چهره ظالم و شناساندن آن به دیگران یکی از ویژگی‌های انسان مقاوم می‌باشد و تا انسان دشمن خود را نشناسد نمی‌تواند دست به مبارزه و قیام علیه او بزند (صمود، ۱۳۲۵: ۱۲۸). علاوه بر آن انسان باید ایمان داشته باشد که ظالم، عاقبتی جز نابودی ندارد و نباید از ظاهر پوشالی آن ترسی داشته باشد.

تَأْمَلْ! هُنَاكَ أَتَى حَصْدَتَ رُؤُوسِ الْوَرَى، وَ زُهْرُ الْأَمَلِ

و رَوَيْتَ بِالْدَمِ قَلْبَ التُّرَابِ وَ أَشْرَبْتَ الدَّمْعَ، حَتَّى تَمَلْ

سَيَجْرُفُكَ السَّيْلُ، سَيْلَ الدَّمَاءِ وَ يَأْكُلُكَ الْعَاصِفُ الْمَشْتَعِلُ (کرو، ۱۳۲۱: ۱۲۸).

الشابی نیز در آثارش، در دفاع از مردم ستمدیده جامعه همواره سهم مهم و گسترده‌ای را به انعکاس چهرهٔ مظلوم در برابر حکومت استبدادگر فرانسه اختصاص داد. او با دیدن استعماری که به جان مردم کشورش افتاده بود، پر از حزن و غم می‌شد و در آثارش به مردم ستمدیده‌ی تونس یادآوری می‌کرد که برخلاف رویکرد استعمارگران، سعادت، خوشی و شادابی حق همه ملت‌ها از جمله مردم تونس است. هم‌وطنان شابی گمان می‌کردند این ظلم و ستمی که از جانب استعمار به آن‌ها می‌رسد قضای الهی است» (ممتحن و مهاجر، ۱۳۲۲).

پس ناگزیر باید آن را بپذیرند و دم برنیاورند. اما شابی با بیان مظلومیت مردم کشورش سعی در آگاه‌کردن هموطنانش نمود:

ألا ایها الظالم المستبد حبيب الظلام، عدو الحياه

سخرت بأنات شعب ضعيف و كفك مخضوبه من دماه و

سرت تشوه سحر الوجود و تبر شوک الأسی فی با (شراره، ۱۲۸۲)

او در این شعر خطاب به استعمار فرانسه می‌گوید: ای ستمگر استبدادگر! و ای دوست خفقان و تاریکی! و ای دشمن زندگی! تو فریادهای حق‌جویانه ملتی ضعیف و ناتوان را مسخره می‌پنداری. تو که دستانت به خون آنان آلوده است، قادری حقیقت هستی و کیان مردم را تحریف کنی (آل‌بویه لنگرودی، ۱۳۲۱: ۱۲) براساس گواه تاریخ، استعمار همیشه ضد انسانیت در حرکت بوده و به خاطر وحشتی که از اسلام داشته همیشه تهدیدات زهرآلود خود را علیه این دین در دستور کار خود قرار داده است (ممتحن و مهاجر، ۱۳۲۲: ۳۱).

۲.۳. روحیه ستم‌ناپذیری و آزادی

اندیشه‌های پایداری در اشعار الشابی از روحیه ستم‌ناپذیری و آزادی او در برابر حکومت‌های خودکامه سرچشمه می‌گیرد که این خلیقات در قصیده نشیدالجبار آمده است که در آنجا خود را به شاهینی بلندپرواز مانند کرده است که با دردها دست‌وپنجه نرم می‌کند و زندگی سعادت‌مندانه را به خورشید تشبیه کرده است. ابوالقاسم الشابی معتقد است که انسان هرآنچه را بخواهد و در مسیر آن پایداری کند، به‌دست خواهد آورد (الشابی، ۲۱۱۸: ۲۲۱).

سَاعِيشُ رَغَمَ الدَّاءِ و الْأَعْدَاءِ كَالنَّسْرِ فَوْقَ الْقِمَّةِ السَّمَاءِ

أَرْنُو إِلَى الشَّمْسِ الْأَصِيلِ و أَتَقَى مَا فِي قَرَارِ الْهُوَّةِ الْهُوَّةِ السَّوْدَاءِ

روحیه سرکشی و آزادی الشابی را می‌توان در تمامی اشعارش یافت و این روحیه را می‌توان یکی از راهبردهای کلیدی در زندگی آن دانست که گاهی این روحیه در زبان خود جاری می‌شود و گاهی در زبان عناصر طبیعی به‌عنوان شخصیت‌های اصلی در شعرهای او حضور دارند.

۲.۴. پیروزی موعود و امید به آینده

از دیگر جلوه‌های پایداری که در اشعار الشابی می‌توان یافت القای امید به آینده و پیروزی موعود می‌باشد. فجر به معنای سپیده‌دم و ضیا به معنای روشنایی را می‌توان از کلید واژه‌هایی دانست که برای پیروزی موعود به کار می‌روند. الشابی می‌کوشد تا روحیه امید به آینده و زندگی را در ملت رنج‌دیده خود زنده نگه دارد و به همین دلیل همگان را به تلاش و جدیت برای مبارزه با رهایی از یوغ بیگانه دعوت می‌کند و او پس از شب تاریکی و ظلمت، فجر پیروزی را نوید می‌دهد و ناامیدی را برابر با مرگ و ظلمات می‌داند، مرگی که باعث بدبختی خواهد شد. او روحیه تلاش و جدیت را الهام‌بخش روزهای خوب و خوش پیروزی می‌داند که اگر این روحیه از جامعه آنان رخت ببندد، زندگی آنان به نابودی تبدیل خواهد شد (ممتحن، ۱۳۲۳: ۱۱۴-۱۱۲).

الْفَجْرُ يسطع بعدَ الدُّجَى و يأتِي الضِّيَاءُ و يرقِدُ اللَّيْلُ قَسْرًا عَلَى مِهَادِ الْعَفَاءِ
و لِلشُّعُوبِ لِلشُّعُوبِ حَيَاةٌ حِينًا و حِينًا فَنَاءٍ و الْيَأْسُ مَوْتٌ مَوْتٌ وَلَكِنْ مَوْتٌ يَثِيرُ الشَّقَاءَ
و الْجِدُّ لِلشَّعْبِ رَوْحٌ تَوْحَى إِلَى الْهَنَاءِ فَإِنْ تَوَلَّتْ تَصَدَّتْ حَيَاتُهُ لِلْبَلَاءِ (كرو، ۱۳۲۱: ۱۶۴).

۲.۵. دعوت به خودآگاهی

متفکران جامعه و به‌طور ویژه قشر هنرمند وقتی خود حقیقی خویش را شناخته و از قابلیت‌های وجودی خویش آگاهی حاصل نمودند، همواره در بیانات و آثار هنری خویش مخاطبان خود را به شناخت و کسب معرفت از خویشتن خویش دعوت می‌کنند. شاعران مورد بحث ما نیز جزء این گروه‌اند و سند سخن ما اشعار ایشان است. مطمئناً الشابی نیز از جرگه متفکرانی است که بعد از رسیدن به خودآگاهی در همان سن و سال جوانی در آثار ادبی‌اش مردم را به شناخت قابلیت‌های وجودی‌شان دعوت کرد. شابی در آثارش نداده‌ند قدرت و اراده انسانی است. او در قصیده «ارادة الحياة»، که از شاهکارهای ادب معاصر عربی در حوزه ادبیات مقاومت است، چنین می‌سراید:

إذا الشعب يوما أراد الحياة فلا بد أن يستجيب القدر

ولا بد لليل أن ينجلي ولا بد للقيد أن ينكسر و من

لم يعانقه شوق الحياة تبخر في جوها، و اندثر فويل لمن

لم تشقه الحياة من الصفعة عدم المنتصر (الشابی، ۲۱۱۸).

الشابی در این قصیده به مسئله اراده بسیار توجه نشان می‌دهد. زیرا این اراده سبب می‌شود که ملت‌ها علیه ظلم و ستم قیام کنند و در راه آزادی سرزمین خود گام بردارند (ممتحن و مهاجر، ۱۳۲۲: ۲۶۸-۲۶۷).

۲.۶. ملی‌گرایی و ستایش وطن

اگرچه فریادهای شابی در دفاع از میهنش سرکش، آزاد، هدفمند، و مخالف بندگی است، اما او نیز هدف اصلی‌تری را در سر می‌پروراند و آن همبستگی و اتحاد ملل مسلمان بود. قصیده «ارادة الحیاء» فریاد او علیه همه قدرت‌های استعماری دنیاست. محور اصلی میهن‌گرایی الشابی خداوند متعال است. او پیروزی میهن و سایر ملت‌ها را در گرو این می‌داند که همه مبارزان و آزادی‌خواهان با ایمان و اعتقاد راسخ به خداوند سبحان و دین خود در چنین راهی قدم بردارند. از همین روست که الشابی همه ستمگران را مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید:

ألا أيها الظالم المستبد حبيب الظلام، عدو الحياه

سخرت بأنات شعب ضعيف و كفك مخضوبه من دماه (شراره، ۱۲۸۲).

۲.۷. نگرانی از بی‌هویتی و غفلت مردم

الشابی از جمله متفکرانی بود که با رسیدن به آگاهی و داشتن تعهد اجتماعی همواره سعی می‌کرد مردم را از جهل و ناآگاهی‌های رهایی بخشند. شابی با این که به آینده امیدوار بود و خانه ظلم و ستم را سست بنیان می‌دید، از اینکه مردم کشورش در برابر ظلم استعمارگران آرام بنشینند، بسیار خشمگین می‌شد و معتقد بود که چنین رفتاری از جانب مردم زمینه‌ساز سیاست‌های ظالمانه بیشتری می‌گردد. غفلت مردم تونس و عدم درک حقایق و معانی روح والایشابی را آزار می‌داد (آل‌بویه لنگرودی، ۱۳۲۱: ۱۶).

چنان که می‌گوید:

أنت روح غبية، تكره النور و تقضى الدهور في ليل ملسر أنت

لا تدرك الحقائق إن طافت حوالیک دون مس و جس (شراره، ۱۲۸۲).

۳. جلوه‌های بیداری در اشعار ابوالقاسم الشابی

۳.۱. وطن‌دوستی

ابوالقاسم الشابی نیز مانند برخی از شاعران در ارتباط با وطن‌دوستی معتقد است باید سرزمینی مستقل از نیروی استعمار داشته باشیم تا هموطنان در آن سرزمین بتوانند آزادانه در راه خیر و سعادت قدم بگذارند، زیرا الشابی عاشق وطن خود است و ظلم و ستم در کشورش مایه عذاب او بود. فلسفه او در میهن‌پرستی این بود که مردم را به زندگی دعوت کند و هرگونه تسلیم‌شدن و ناسازگاری را نپذیرد (حمدالقدوس، بی‌تا: ۱۱).

ابوالقاسم شابی نیز در میهن‌سرایي و وطن‌دوستی چون دیگر شاعران، ید طولایی دارد و فقط به یک مشت خاک توجه نمی‌کند؛ شابی در وطن‌پرستی خود کاملاً صادق است. او در فهماندن معنای زندگی آزاد به مردم میهنش احساس مسئولیت می‌کند. عشق به ملت در نگاه او، سبب شده ویژگی خاص میهن‌پرستی در وجودش شکل گیرد. او برای

چنین افرادی که سستی را از وجود خود دور کرده‌اند، آینده‌ای روشن و تابان می‌بینند (حمد والدقس، بی تا: ۱۱). ارزش شاعری شابی، تنها در بیان احساس میهن‌پرستی نیست؛ بلکه ارزش اصلی شعر او برای ابداع تعابیر زیبا و نهفته میهن‌پرستی است. از این‌رو، شعر شابی باید از جنبه زندگی اجتماعی- میهنی هم به‌طور کامل مورد بررسی قرار گیرد؛ چراکه قسمت اعظمی از دیدگاه‌های ملی و زندگی اجتماعی الشابی در اشعار میهنی او قرار دارد؛ به‌طوری‌که در اشعار و قصاید «فی فجاج الالام»، «بناء الشیطان»، «یا رفیقی»، «صوت تائه»، «أغانی التائه»، «اراده الحیاه»، «البنی المجهول»، «فی سکون اللیل»، «الی الشعب» به وضوح می‌توان این جلوه زندگی را دریافت (الشیخ، ۱۲۲۲: ۲۵۲).

شعر زیر نمونه‌ای از اشعار وطن‌دوستی الشابی درباره عشق به تونس و نوشیدن از جام مهر و محبت است:

أین عزمزمُ الحیاهُ لا شیء الاَ*** الموتُ و الصمتُ و الأسی و الظلامُ

عمرُ مَیَّت، و قلبُ خواءُ*** و دم لا تـثـیرهُ الالام...

أنا یا تَوْنُسَ الجمیلهُ فی لُجّ*** الهوی قد سبحت أی سباحه

شرعتی حُبک العمیقُ و إتی*** قد تدوّقتُ مُرّه و قراحه

لست أنصاعُ للوآحی و لو مُتمتُ*** و قَامت علی شبابی المناحه

و بطو لِّلِ المَدی تَریکَ اللّیالی *** صَادقَ الحُبِّ و الوَلا و سَجَاحَه (الشابی، ۱۹۹۶: ۱۵۳ و ۱۹۰).

شرایط دشوار و درد و رنج‌های فراوان نتوانستند الشابی را از رسالت ملی و میهنی غافل سازند، برعکس، مصیبت‌های مردم به بخشی از مصیبت‌ها و دردهای او تبدیل شد. بنابراین همواره هموطنانش را به حرکت و مبارزه فرا می‌خواند.

آنچه در وجود الشابی موج می‌زد دوستی او به مردم است.

۳.۲. مبارزه با ستمگران و ظالمان و هشدار به آن‌ها

الشابی در قصیده قالت الأيام به ظالمان خطابی آتشین داد و چنین گفت:

یا أیها السّادرُ فی عَیّه*** یا واقفاً فوقفوقَ حُطامِ الجباه

یا أیها الجبّارُ لا تزدری*** فالحقُ جبّارُ، طویلطویلُ الأناه (الشابی، ۱۹۹۶: ۲۱۳-۲۱۲).

او در این قصیده می‌گوید ستم‌دیدگان روزی برانگیخته خواهند شد و زنجیرهای ذلت و بردگی را که استعمار بر پای آنان بسته بود، باز خواهد شد و این چنین به دشمنان هشدار می‌داد:

يقولون: صوتُ المستذلّین خافتُ*** و سمعُ طُغاهِ الأرض أضخمُ

و لعلّهُ الحقّ الغضوی لها صدی*** و دَمدمه الحرب الضروس لها ف ممُ

لکلک الویلالویلُ یا صرح المظالم من غدٍ*** إذا نهَضَ المُستضعفون و صَمَمُوا (الشابی، ۱۹۹۶: ۱۶۰).

او ستمگران را از نهضت و حرکت مستضعفین آگاه می‌کند و خشم و غضب ملتش را نسبت به آن‌ها برمی‌انگیزاند. به ستمگران هشدار می‌دهد که در برابر خشم آن‌ها، راه فراری ندارند و به ناچار تسلیم خواهند شد و به جزای خود خواهند رسید. شابی که شاعر انقلابی و دردمند است، تنهاترین تنهایی‌هایش، غم و اندوه است و قلبش آکنده از عشق و محبت است. او می‌خواهد تا بر ستمگران بشورد؛ و قلم تنها سلاحی است که در دست دارد. بنابراین خواسته‌های درونی خویش را با زبان شعر بیان می‌دارد. ابوالقاسم شابی در قصیده «قالت الأيام» به ظالمان، خطاب آتشین دارد:

یا ایها السادر فی غیه یا واقفاً فوق حطام الجباه

یا ایها الجبار لا تذردی فالحق جبار، طویل الأناه (شابی، ۱۹۹۶: ۲۱۳-۲۱۲).

۳.۳. بیداری و آگاهی مردمی و اسلامی

ابوالقاسم الشابی از شاعرانی بود که آینده سیاسی تونس را با قصیده خود به نام «ارادة الحياة» پیش‌بینی کرده بود. الشابی در عصر استعمار می‌زیست و در عصر آزادی‌خواهی، ابتدا به بیداری مردمان کشورش توجه می‌کرد. الشابی خود را مانند یک پیشوای اجتماعی می‌دانست که موظف بود با زبان شعر مردم را به پیش فراخواند و ملت را سازنده سرنوشت خویش معرفی کند.

و مَن لا یحب صُعودَ الجبال *** یعش أبدالدَّهر بینَ الحَفَر (شابی، ۱۹۹۶: ۹۰).

ألا إنْهض و سِرْ فی سبیلِ الحِیاءِ *** فَمَنْ نَامَ لَمْ تَنْتَظِرْهُ الحِیاءُ؟

إلی النُّور! فالنُّورُ عَذْبُ جَمیلٍ *** إلی النُّور! فالنُّورُ ظِلُّ لُله (شابی، ۱۹۹۶: ۱۸۸).

الشابی معتقد است که انسان، آزاده آفریده شده و اگر در بند قید و زنجیر باشد آزادیش را از دست می‌دهد. او در تلاش بیداری ملت خویش می‌باشد. از عجایب این قصیده اینکه، شاعر جوان تونس، توانسته حوادث آینده کشور خود را پیش‌بینی کند و آزادی ملت خود را از یوغ دیکتاتورهای حاکم نوید داده بود. الشابی اراده انسانی را در طول اراده خداوند ارزیابی می‌کند.

او معتقد است قرآن کریم درباره دعوت به عدالت‌خواهی و آگاهی مردم در برابر حاکمان ظالم و عدم تسلیم در برابر اوامر آن‌ها، تغییر سرنوشت خودشان را به آن‌ها واگذار کرده است. در تاریخ معاصر عربی، ابوالقاسم شابی جزء سلسله شاعرانی بود که آینده سیاسی تونس را با قصیده معروف خود تحت عنوان «ارادة الحياة»، (اراده زندگی) دقیقه پیش‌بینی کرده بود.

اراده، از مهم‌ترین مضامین به کار رفته در قصاید و اشعار ابوالقاسم الشابی است که از حیث تقسیم‌بندی در وطنیات یا شعر ملی یا شعر سیاسی - اجتماعی او می‌گنجد. این مسئله نشان می‌دهد که شابی اراده انسانی را در طول اراده خداوند ارزیابی می‌کند. شاعر ایمان دارد که زندگی و حیات، اصل است و انسان برای کمال زندگی می‌کند. وی معتقد

است همان‌گونه که در قرآن آمده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)؛ خداوند سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نخواهد داد مگر آنکه در وجود خود تغییر ایجاد کنند. قرآن کریم درباره دعوت به عدالت‌خواهی و آگاهی مردم در برابر حاکمان ظالم و عدم تسلیم در برابر او امر آن‌ها، تغییر سرنوشت خودشان را به آن‌ها واگذار کرده است. إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ الْحَكِيمِ: «وَنَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُم الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵).

الشابی از سکوت عالمان دینی در برابر استعمار انتقاد می‌کرد. او خود را مانند یک پیشوای اجتماعی، موظف می‌دانست با زبان شعر، مردم را به پیش فراخواند و ملت را سازنده سرنوشت خویش معرفی کند. وی شاعری متعهد بود، از این رو مسئله قضا و قدر و جبر و اختیار در باور او جایگاهی حقیقی داشت. به‌زعم الشابی، انسان در دنیای ما نه آزاد مطلق است، نه گرفتار و مجبور محض؛ بلکه چیزی است میان این دو.

وَمَنْ لَا يَحِبُّ صُعُودَ الْجِبَالِ يَعِشُ أَبَدَ الدَّهْرِ بَيْنَ الْحُفْرِ وَ

مَنْ لَمْ يَعْانِقْهُ شَوْقُ الْحَيَاةِ تَبْخُرُ فِي جَوْهَا وَ انْدَثَرِ إِذَا

الشعب يوماً اراد الحياة فلا بدَّ أن يستجيب القدر (شابی، ۱۳۲۶: ۲۱)

هرگاه ملتی اراده کند به زندگی خود ادامه دهد چاره‌ای برای روزگار نیست که در برابر این اراده سر خم کند. «روزی این ابرهای تیره از آسمان رخت بر خواهند بست و زنجیرها از دست‌ها پاره خواهند شد؛ زیرا اگر شور زندگی و عشق به زیستن از دل‌ها خارج شود، انسان‌ها در هیاهوی زندگی نابود می‌شوند». این ابیات، بخشی از معروف‌ترین سروده‌های ابوالقاسم شابی است که تبدیل به شعارهای انقلابی مردم تونس شد. شابی شاعر ملی و ضداستعمار معاصر تونس بود که عمرش مانند گل کوتاه بود؛ اما شور و شعورش، عمر شعرش را جاودان ساخت؛ به‌طوری‌که حالا وقتی از ادبیات تونس سخن گفته می‌شود، بی‌شک اولین چهره‌ای که توجه جهانیان را به خود جلب می‌کند، اشعار اوست. شعر او نه‌تنها مورد استقبال هم‌زبانانش در جهان عرب قرار گرفته؛ بلکه بیرون از مرزهای کشورهای عربی نیز خواننده دارد.

و مَنْ لَا يَحِبُّ صُعُودَ الْجِبَالِ يَعِشُ أَبَدَ الدَّهْرِ بَيْنَ نَنِ الْحُفْرِ (شابی، ۱۳۲۶: ۲۱).

أَلَا إِنَّهُضْ وَ سِرِّ فِي سَبِيلِ الْحَيَاةِ فَمَنْ نَأْمَ لَمْ تَنْتَظِرْهُ الْحَيَاةُ؟

إِلَى النُّورِ؛ فَالنُّورُ عَذْبُ جَمَى لِّلْ إِلَى النُّورِ! فَالْ نُّورُ ظِلُّ الْإِلَهِ (شابی، ۱۳۲۶: ۱۸۸).

۳.۴. یادآوری مجد و عظمت گذشته کشورشان

شابی در این باره می‌گوید:

أَضَعْتُمْ مَجْدَ قَوْمٍ شَادُوا الْحَيَاةَ فَخَارَا

حَاكُوا لَكُمْ ثَوْبُوبَ عَزَّ خَلَعْتُمُوهُ احْتِقَارًا (شابی، ۱۳۲۶: ۱۱۲).

الشابی به عظمت گذشته اشاره کرده و حس مقاومت مردم را در برابر ظالمان پرورانده‌اند.

ابوالقاسم شابی ابتدا به این مطلب پی برد که قیام مردم حتماً باید در هوشیاری و خروج از تاریکی‌های نادانی استوار باشد. بنابراین، فریاد حیات آزاد و کریمانه را به‌عنوان حق هر انسانی سر داد؛ با این باور بود که پیشرفت و آزادی فقط در سایه اراده ملی برقرار می‌شود. اراده ملی نیز ثمره بیداری است و بیداری هم، فقط با تعلیم و تربیت ممکن می‌شود. او با قلب و روحش مسائل جامعه را بررسی می‌کرد و امت را به قیام شجاعانه دعوت می‌کرد. اما زمانی که تلاش بی‌ثمر واقع شد، مانند گردبادی سهمگین به مردمش حمله کرد (کرو، ۱۳۲۱ م: ۱۷۷) و گفت:

ای‌ها الشعب؟! لیتنی كنت خطاباً فأهوى على الجذوع بفاسی تهدّ

لیتنی كنت كالسیول إذا سالت القبور: رمساً برم سسې

لیت لی قوّة العواصف یا شعبی فألقى إلیک ثورة نفسی (شابی، ۱۳۲۶: ۱۱۷).

شابی، آزادی را نعمتی می‌داند که خداوند به بشر ارزانی داشته و بر اوست که از آزادی و کرامت خود دفاع کند و تن به ذلت و پستی و بردگی ندهد. او برای اینکه ملتش، حرکت به‌سوی زندگی را آغاز کند؛ سرود آزادی را برای آن‌ها سرود. وی در قصیده «ابن اُمی» نیز این‌گونه می‌گوید:

خُلقت طليقاً كطيف النسيم و حرّاً كنورالضحى فى سماه

الى النور! فالنور عذب جميل إلى النور! فالنور ظل الإله (شابی، ۱۳۲۶: ۱۸۷-۱۸۸).

حق انسان به اندازه معینی از آزادی است و بدون حریت ذاتی؛ انسان، انسان نیست (آدمیت، ۱۳۵۵: ۷۱).

«ابوالقاسم محمد کرو» درباره عملکرد و راه الشابی چنین می‌گوید: «شابی مردم کشورش را به‌سوی زندگی، آزادی و نور دعوت می‌کند و آن‌ها را به آزادکردن زنجیرهایی که استعمار به‌وجود آورده است، فرامی‌خواند». باتوجه‌به این گفته‌ها، احساس الشابی چیزی غیر از میهن‌پرستی نیست؛ و آن نیز آمیزه‌ای از تهدید ظالمان و دعوت از مردم برای قیام است. به‌طور کلی، آشنایی با نظام دموکراسی غربی که آزادی رهاورد آن بود، شاعران را بر آن داشت تا هر کدام به نحوی برای دستیابی به آزادی و تحقق آن بکوشند. آن‌ها مردم را در راه آن تحریک کرده و دستیابی به آن را در گرو بیداری مردم دانسته‌اند.

۴. دعوت به آزادی در شبنامه‌های دوران مشروطه

شبنامه‌های دوره مشروطه در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه قاجار پدید آمدند. قبل از آن میرزا حسنخان اعتمادالسلطنه این پیام‌های پنهان را «اعلام» می‌نامید. با ادامه استبداد ناصرالدین‌شاه که معمولاً با چاپ ژلاتینی و حتی چاپ حروفی تهیه می‌شد، بسیار تندتر گردید. در دوران سلطنت مظفرالدین‌شاه که آزادی‌خواهی موج تازه‌ای یافته بود انتشار شبنامه

و چسپاندن آن به دیوار یا پخش آن در میان جمعیت‌ها و مجالس عروسی و عزاداری بسیار زیاد شد (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۲۲).

یکی از پدیده‌ها و نیازهای نهضت مشروطه انتشار شب‌نامه‌ها بود. شب‌نامه‌ها دارای صراحت خاص در گفتار بودند و اغلب بدون ذکر نام نویسنده، به شرح حوادث روز می‌پرداختند. شب‌نامه‌ها دارای نام‌ها و عناوینی گوناگون بودند که توسط انجمن‌های مخفی و افراد تحصیل‌کرده نوشته و منتشر می‌شدند. شب‌نامه‌ها به صورت چاپ ژلاتینی و در مکان‌های مذهبی، دیوانی، گذرگاه‌های مهم و ... توزیع می‌شدند. موضوع اکثر شب‌نامه‌ها اسلام، نقش انقلابیون و علما، رجال و شاه بود. شب‌نامه‌ها از نخستین نوشته‌هایی که در اوج سانسور مطبوعات دولتی و بازرسی چاپخانه‌ها، نوید تحول دیگر در وسایل ارتباط جمعی آزاد و ضدسانسور را به ارمغان آورد و شبانه بر درهای مساجد، کاروانسراها، معابر عمومی و سفارتخانه‌ها چسبانده بود (عیوض‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۰۸). شب‌نامه‌ها بزرگ‌ترین عامل روشن کردن افکار مردم به اصول و فلسفه نوین و عامل محرک انقلاب بود (ملک‌زاده، ۱۳۶۲: ۳۲۶). با این تفاسیر، می‌توان شب‌نامه‌های دوره مشروطه را نماد آزادی‌خواهی و دعوت به ارزش‌های اسلامی دانست.

نتیجه‌گیری

ابوالقاسم شابی، شاعر و متفکر قرن بیستم، در مسیر اصلاح‌گری و خدمت به جامعه خویش گام برداشته و در این راه از هیچ کوششی فروگذاری نکرده است. اشعار متعهدانه و سیاسی- اجتماعی او پر از جلوه‌های ادب پایداری است. الشابی بر مردم زمان خویش تأثیرات مثبتی گذاشته و شاعر انقلابی و انقلاب‌ساز بوده است. اگرچه هدف او تعالی مردم جامعه بود، اما محور اصلی اشعار سیاسی او این بوده است که در اشعار خود سعی می‌کرد تا اراده افراد جامعه را تقویت کند. تفکرات ضداستعماری در اشعارش پررنگ بوده است؛ تا جایی که همه ظالمان و ستمگران در شعر الشابی یادآور قدرت استعماری فرانسه است. شوقی معتقد است گام نخست در بیداری یک ملت، مبارزه با جهل و بی‌سوادی است و برخورداری از دانش و تکنولوژی روز، سمبل توسعه و پیشرفت است. بنابراین علت اصلی عقب‌افتادگی و شکست مسلمانان در قرن‌های اخیر کم‌توجهی به دانش و تکنولوژی روز بوده است و می‌طلبند که مسلمانان با رویکردی جدید به دانش‌اندوزی و به‌دست آوردن تکنولوژی جدید روی بیاورند.

بحث اوضاع تأسفبار اجتماعی و سیاسی، احساسات ابوالقاسم الشابی را سخت جریحه‌دار کرده است و جز حسرت و بدبینی و دردمندی برای آن نداشته بود. فرخی با تمام وجود می‌کوشید تا ملت خود را از قید و بند ذلت و بردگی و جهل‌رهای بخشد و به سوی عزت و آزادی رهنمون گرداند. شعر تنها سلاحی بود که شاعران می‌توانستند به وسیله آن با تمام وجود از میهن و ملت خود دفاع کنند. به هر حال، الشابی نقش مهمی را در بیدارسازی مردمی و اسلامی ملل خویش و رهایی آن‌ها از چنگال استعمار و بردگی ایفا کرده بود. شاعران با دیدن ظلم و ستم بر جامعه خود، وطن و مجد و عظمت گذشته را آن‌گونه توصیف کرده‌اند که مردم را علیه استعمار بشورانند. ظلم و ستم حاکم بر جامعه باعث شده است تا شاعران مفاهیمی را خلق کنند که از خون وجودشان نشأت گرفته است. آن‌ها حس آزادی را در آن

اشعار دمیده‌اند و آن را در دل مردم برای رسیدن به هدف والایی یعنی آزادی تقویت کرده‌اند. از این‌روست که به‌عنوان شاعران مبارز در تاریخ کشورشان در برابر جور و ستم شناخته می‌شوند. شابی، تحت‌تأثیر شرایط اجتماعی، سیاسی تقریباً مشابه به بیان جلوه‌های بیداری مردمی و اسلامی جوامع خود پرداخته است. او با اینکه سلاح بر دست نگرفته است؛ سلاح شعرش از هر سلاحی قدرتمندتر و نابودکننده‌تر بوده است؛ به‌طوری‌که در انقلاب اخیر تونس، نمونه قوی و ملموس آن قابل مشاهده بود و جوانان انقلابی تونسی هم‌صدا با هم، شعر شابی را در راه رسیدن به هدفشان، یعنی آزادی و مبارزه با ظلم حاکم بر جامعه زمزمه می‌کردند. این رویکرد در شب‌نامه‌های دوره مشروطه در قالب نثر دیده می‌شود.



فهرست منابع و مآخذ:

کتاب‌ها

- آدمیت، فریدون. (۱۳۵۵). ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، تهران: پیام.
- الجابری، محمد صالح. (۱۳۷۴). الشعر التونسي المعاصر، بیروت: الشركة التونسية للتوزيع.
- حمد والدقس، فؤاد. (بی‌تا). تاریخ ادباء العربیة. الطبعة الثانية، حلب سوریه: دارالقلم العربی.
- الشابی، ابوالقاسم. (۲۰۰۸). الاغانی، تحقیق صلاح‌الدین الهواری، بیروت: دارالعودة.
- الشابی، ابی‌القاسم. (۱۳۲۶). دیوان ابی‌القاسم الشابی. قدم له و شرحه مجید طراد، الطبعة الثانية، بیروت: دارالکتاب العربی.
- شراره، عبداللطیف. (۱۳۸۲). دراسة تحليلی. بیروت: دار بیروت.
- شریف کاشانی، محمد مهدی. (۱۳۶۲). وقایع اتفاقیه در روزگار مشروطه. تهران: نشر تاریخ ایران.
- شیخ، غرید. (۱۳۲۲م). دیوان الشابی. بیروت لبنان: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- صمود، حمادی. (۱۳۲۵). الشعر العربی المعاصر فی تونس، هیئته المنجم. معجم البابطين، بیروت: نشر عبدالعزيز مسعود البابطين.
- کرو، ابوالقاسم محمد. (۱۳۲۱). آثار الشابی و صداه فی الشرق. بیروت: المکتب التجاری.
- المقالح، عبدالعزيز. (۱۳۴۸). عمالقة عند مطلع القرآن. الطبعة الثانية، بیروت: منشورات دارالآداب.
- ملک‌زاده، مهدی. (۱۳۶۲). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. تهران: علمی و فرهنگی.
- ممتحن، مهدی و مهاجر، زهرا. (۱۳۲۲). اقبال لاهوری و ابوالقاسم شابی در گذرگاه ادبیات تطبیقی. تهران: لوح محفوظ.
- میرقادر، فضل‌الله. (۱۳۸۵). شعر تأملی در ادبیات معاصر عربی. شیراز: انتشارات نوید.

مقالات

- آل‌بویه لنگرودی، عبدالعلی. (۱۳۲۱). «جلوه‌های پایداری در شعر ابوالقاسم شابی»، ادبیات پایداری، ش ۳ و ۴، ۲۷-۱.
- امیردهی، علیرضا. (۱۳۸۵). «سرزمین‌های جهان اسلام»، تونس، اندیشه تقریب، شماره ۲، ۱.
- حسینی، عبدالله؛ سلیمی‌نژاد، انصار و اسماعیلی، عثمان. (۱۳۲۲). «بیداری اسلامی، مردمی در اشعار فرخی و شابی». ادبیات پایداری، شماره ۲۶، ۲۲-۱۱.

- شبستری، معصومه. (۱۳۷۶). «ابوالقاسم شابی». فصلنامه ادبیات معاصر، ش ۳، ۱.
- عیوض زاده، شهلا. (۱۳۸۵). «شبنامه، رسانه جانشین عصر مشروطه». گنجینه اسناد، شماره ۶۲، ۲۰۷-۲۱۴.
- ممتحن، مهدی. (۱۳۲۳). «تجلی تعهد اجتماعی و اندیشه‌های وطنی در شعر شاعران متعهد ابوالقاسم شابی و اقبال لاهوری، ادبیات پارسی معاصر»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره اول، ۲۲-۱.
- مهدتی، حسین. (۱۳۲۵). «جلوه‌های بیداری اسلامی در اشعار علامه فضل سیدمحمد حسین فضل‌الله». ادبیات پایداری، شماره پانزدهم، ۳۷۵-۳۹۹.
- یوسف، فرحات. (۲۰۱۷). أزمة الفهم فی الصحوة الإسلامية (التشخیص والعلاج). همایش "الإسلام والتحديات المعاصرة" در دانشکده أصول الدین فی الجامعة الإسلامية.

